



می گذارند.»

او اضافه می کند: «یخ صنعتی موادی دارد که برای بدن انسان مضر است و این در حالی است که این یخ فروشان برای سود خودشان این موارد را به خریداران نمی گویند و همان یخی را که به کاسبان می دهند تا روی مرغ و ماهی بریزند، همان را داخل کولمن های مردم می اندازند تا آب سردش را در این روزهای گرم بنوشند.»



حضور پشه های یخی

شهروند دیگری که ۶ سال از سکونتش در این خیابان می گذرد نیز از پشه های یخی برآیند چنین می گوید: «یخ فروشی هم کاسبی همچون سوپرمارکت، ابزار فروشی و... است و نمی شود جلوی کار کردن یک نفر را گرفت. به خاطر همین من با خود این شغل و فعالیتش در محله آباد مشکلی ندارم اما چون در مواردی بهداشت رعایت نمی شود، نگران آلوده شدن محیط زندگی ام هستم. به عنوان مثال از آنجایی که این یخ فروش ها برای نشان دادن کارشان یخ را روی جعبه می گذارند، گرمای هوا باعث ذوب و جمع شدن آب ها جلوی مغازه می شود. از طرف دیگر بعضی خریداران در همین محل روی قالب یخی که خریده اند، آب می ریزند که باز هم این آب روی زمین جمع می شود. همین آب های جمع شده سر ظهر محل جمع شدن پشه ها می شود که اسمش را گذاشته ایم «پشه های یخی.»

طبق گفته های این شهروند شاید این پشه ها به اندازه سالک خطرناک نباشند اما مخزن آلودگی هستند و اهالی هم نگران شیوع بیماری به واسطه آن ها هستند.



تصادف یخی

یکی دیگر از اهالی این خیابان هم از فعالیت این یخ فروش ها بخش تصادفش را انتخاب و تعریف می کند: «۷ سال هست که در این خیابان کاسبی می کنم و همیشه تا تصادفی در صدمتری می شود، همه یخ فروش ها را عامل آن می دانند.»

رمضان از شلوغی و ترافیک سر ظهر بین بزرگراه بسیج ۱۵ تا ۲۳ یاد می کند و می گوید: «ظهرها هم تصادف ها بیشتر می شود و هم ترافیک در این محدوده که عامل آن یخ فروش ها هستند.»

مردم خودشان یخ بهداشتی نمی خرند

بعد از شنیدن این صحبت ها و آنچه از فعالیتشان دیده بودیم، سراغ خود یخ فروش ها رفتیم. اولین یخ فروشی درست در نزدیک ترین نقطه به تابلوی بسیج ۱۵ جوابی برای سؤال اتان نداشت فقط با یک جمله که «اگر یخ غیر بهداشتی است، چرا مردم برای قالبش پول می دهند»، بدرقه مان کرد. دومین یخ فروش هم خودش را شاگرد خواند که اجازه صحبت ندارد و حتی مالک یخ فروشی هم پشت تلفن حاضر به صحبت نشد.

سومین یخ فروش اما همه چیز را گردن خود خریداران انداخت که تمایل به خرید یخ غیر بهداشتی دارند.

مردم حاضر به دادن پول زیاد برای یخ نیستند

ماشاء... زنگی گل ختمی همین یخ فروش قدیمی محمدآباد که سابقه ۳۴ سال کار یخ فروشی دارد، سؤالمان برای فعالیت غیر بهداشتی را چنین پاسخ می دهد: «یخ غیر بهداشتی (صنعتی) می فروشیم اما کارمان غیر بهداشتی نیست.»

او ادامه می دهد: «من هر روز ساعت چهار صبح یخ ها را از محل اصلی خود در خیابان امام خمینی (ره) می خرم و در این یخچال انبار می کنم تا خریدارش پیدا شود. از یخی هم که می خرم مطمئنم و با خودم می گویم اگر غیر بهداشتی باشد چرا واحد تجاری مربوط به پادگان ارتش عرضه کننده آن باشد. از طرف دیگر ما یخ فروش ها یخ را به دو قسمت غیر بهداشتی (صنعتی) و بهداشتی (مصرفی) تقسیم می کنیم. از یخ غیر بهداشتی برای مکان هایی که چرم سازی دارند یا نگهداری مرغ و ماهی کشتار شده و موارد مشابه استفاده می شود و از بهداشتی هم برای خوردن.

این دو عنوان را هم روی تابلو بزرگ نوشته ام تا مردم بدانند یخ بهداشتی و غیر بهداشتی دارد اما خود مردم تمایلی به خرید یخ بهداشتی برای خوردن ندارند. آن هم به دلیل قیمت زیادی که دارد.»

ماشاء... حرف هایش را از قیمت یخ ها سر می گیرد و می گوید: «من هر قالب یخ صنعتی را از ترانز از بقیه جاها و به قیمت پنج هزار تومان می فروشم، این در حالی است که هر بسته کوچک یخ بهداشتی سه هزار و ۵۰۰ تومان است؛ یعنی اگر کسی بخواهد برای پر کردن یک کولمن کوچک یخ بهداشتی بخرد، باید ۷ هزار تومان بپردازد اما با دو هزار تومان می تواند همان کولمن را با یخ غیر بهداشتی پر کند. به خاطر همین تفاوت قیمت است که کسی حاضر به پرداخت پول زیاد برای یخ نیست.»

او تصریح می کند: «البته من به خیلی از خریدارانم که می دانم یخ را برای خوردن می خواهند، از ضررهای آشامیدن آب سرد یخ غیر بهداشتی می گویم اما جواب همه آن ها یکی است: «گور بابای بهداشت. تا حالا همین ها رو خوردیم و نمردیم.»

هم کارت بهداشت دارم و هم مجوز

تاپای حرف فعالیت بدون مجوز به میان می آید، ماشاء... با تأکید بر اینکه تاکنون خطاری از بهداشت نگرفته، می گوید: «من با بقیه یخ فروش های اینجا کاری ندارم اما خودم برای فعالیت در یخ فروشی هم کارت بهداشت گرفته ام و هم مجوز از اعضای دوره دوم شورای اسلامی شهر مشهد.»

فیلم تصادف را ببازید، خسارت می دهم

ماشاء... همچون دو یخ فروش دیگر، وجود هر تصادفی را در مقابل یخ فروشی ها تکذیب می کند و می گوید: «اگر تصادفی هم صورت

گرفته، در لاین اصلی بزرگراه بوده نه فرعی که از جلوی یخچال های ما می گذرد.»

او اضافه می کند: «مردم این تصادف ها را از خودشان می سازند، چون نمی خواهند ببینند ما از یخ فروشی درآمد برمی داریم. به خاطر همین اعلام می کنم اگر کسی فیلمی بیاورد که در مقابل یخ فروشی من تصادفی از سر پارک خودروهای خریدار صورت گرفته، هم جایزه می دهم و هم خسارت تصادف را به گردن می گیرم.»

تازمستان لوله گذاری می کنم که پشه ای نماد

مقابل مغازه ماشاء... از هر جای دیگری پرآب تر است. همان آب هایی که مردم عامل تجمع پشه ها می دانند. خودش در این باره توضیح می دهد: «واقعیت این است که تاکنون کسی گلايه این آب های جمع شده را از من نکرده اما همین جاقول می دهم تا سر زمستان لوله گذاری کنم تا دیگر آبی در این محل جمع نشود.»

یخ های قدیم گریه هم داشت!

ماشاء... از آن یخ فروش های قدیمی است که با وجود سن زیادش این روزها از سر عشق این کار را می کند. طوری که خودش تعریف می کند از ۷ سالگی در اطراف حرم روی گاری یخ می فروخته است. یخ هایی که از یخدان های مشهد تهیه می شد و داخلش هم همه چیز از گریه یخ زده تا پوست گوسفند و لاشه پرند هم پیدا می شد: «شاید باورتان نشود با همین وجود کسی از خوردن آب خنک یخ مریض نمی شد، چون یخ مثل صابون چیزی را به خودش جذب نمی کند و نگه نمی دارد. من هم در ۴ تا ۵ دهه فعالیت کسی را ندیدم که از خوردن یخ حتی همان غیر بهداشتی اش مریض شود.»



از ۷ سالگی در اطراف حرم روی گاری یخ می فروخته است. یخ هایی که از یخدان های مشهد تهیه می شد و داخلش هم همه چیز از گریه یخ زده تا پوست گوسفند و لاشه پرند هم پیدا می شد